

مجله‌ی پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز
دوره‌ی هفتم، شماره‌ی دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، پیاپی ۶۹/۳، صفحه‌های ۱۴۹-۱۸۱
(مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی پیشین)

بررسی کیفیت سود در شرکت‌های با سهام‌داران عمده دولتی و غیر دولتی بورس اوراق بهادار تهران

دکتر غلامرضا منصورفر* دکتر حمزه دیدار** لیلا ارسلانلو***
دانشگاه ارومیه

چکیده

این مطالعه به بررسی کیفیت سود شرکت‌های با سهام‌داران عمده دولتی و غیردولتی با استفاده از کیفیت اقلام تعهدی، پایداری، قابلیت پیش‌بینی، هموارسازی، مربوط بودن و محافظه‌کاری بعنوان سنجه‌های کیفیت سود برای ۱۰۹ شرکت و در بازه زمانی ۱۳۸۱-۱۳۹۰ می‌پردازد. با استفاده از تحلیل داده‌های تابلویی، یافته‌ها نشان می‌دهند کیفیت اقلام تعهدی و قابلیت پیش‌بینی سود برای شرکت‌های دارای سهام‌داران عمده دولتی از سطح پایینی برخوردار است. اما پایداری، مربوط بودن و محافظه‌کاری سود با وجود سهام‌داران عمده دولتی در شرکت‌ها، رابطه مثبت دارند. شواهدی مبنی بر وجود رابطه بین هموارسازی سود با سهام‌داران شرکت‌ها از نوع دولتی یا غیردولتی بودن یافت نشد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت سود، ابعاد کیفیت سود، مالکیت دولتی، مالکیت غیر دولتی.

* استادیار گروه حسابداری (نویسنده مسئول) g.mansourfar@urmia.ac.ir

** استادیار گروه حسابداری

*** کارشناسی‌ارشد حسابداری

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۶

۱. مقدمه

از اهداف چارچوب نظری حسابداری، ارائه‌ی اطلاعات مفید در مورد عملکرد مالی واحد تجاری جهت تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی است. صورت سود و زیان یکی از صورت‌های مالی اساسی است که این هدف را برآورده می‌سازد. بنابراین، سود گزارش شده توسط شرکت یکی از مهم‌ترین معیارهایی است که در ارزیابی عملکرد واحد تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. آنچه مسلم شده این است که به کارگیری برآوردها در صورت‌های مالی، سود را تحت تأثیر قرار داده و ممکن است منجر به گزارش سودی متفاوت با نتیجه‌ی عملکرد واقعی شرکت شود (نوروش و همکاران، ۱۳۸۸). تعیین کیفیت اطلاعات حسابداری مورد توجه سرمایه‌گذاران، مدیران، قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردها قرار دارد. ولی، یکی از دلایلی که باعث می‌شود استفاده‌کنندگان علاقه‌جویی به استفاده از گزارش‌های مالی نشان ندهند عدم اطمینان به اطلاعات ارائه شده در گزارش‌های مالی است (بستانیان، ۱۳۸۵).

سهام‌داران عمده، سهام‌دارانی هستند که توانایی هدایت سیاست‌های مالی و عملیاتی شرکت را دارا باشند. در پژوهش حاضر، شرکت‌های مورد بررسی به شرکت‌های دارای مالکیت دولتی و غیر دولتی با تأکید بر سهام‌داران عمده دولتی و غیر دولتی آنها، تفکیک شده‌اند.

در کشورهای در حال توسعه، دولت و شرکت‌های دولتی نقش قابل توجهی در تشکیل سرمایه، اداره، برنامه‌ریزی و کنترل امور اقتصادی این کشورها ایفا می‌کنند (اسلامی، ۱۳۷۷). از این رو، کیفیت اطلاعات منتشره توسط این شرکت‌ها نیز حائز اهمیت خواهد بود. مشخصه اصلی شرکت‌های دولتی، ساختار مالکیتی - مدیریتی آن است. زیرا، ماهیت مدیریت در شرکت دولتی از ماهیت مالکیت آن جدایی‌ناپذیر است. در ساختار مالکیتی - مدیریتی شرکت‌های دولتی، سازوکارهای ارزیابی و نظارتی، بسیار ناقص و متناقض است (ایرانمنش، ۱۳۸۵). به واسطه‌ی ماهیت سیاسی دولت، مالکیت دولتی باعث می‌شود انتخاب مدیران دولتی بیش از آنکه تابع منافع و اهداف واقعی شرکت‌های دولتی باشد، به طور عمده تابع اهداف جناح‌های حاکم در عرصه سیاست و جامعه قرار گیرد. در این شرایط، اگرچه دولت در نقش نماینده‌ی مردم، مالکیت شرکت‌های دولتی را برعهده دارد اما در واقع این جناح‌های قدرت هستند که مالک عملی آنها محسوب شده و در شرکت‌های دولتی منافع خود را دنبال می‌کنند (همان منبع). عملکرد مدیریت دولتی با چالش تأثیرپذیری تصمیمات مدیریتی از عوامل خارج

سازمانی مواجه است. مشکل اصلی زمانی ایجاد می‌شود که به خاطر ایجاد انگیزه بیشتر، پاسخ‌گو تحت فشار پاسخ‌گویی بیش از حد قرار می‌گیرد (باباجانی، ۱۳۷۹).

در راستای دیدگاه بیان شده فوق، در شرکت‌های دولتی منطق نادرست انتخاب مدیران شایسته، ضعف دانش مالی و پنهان کاری در حساب‌ها توسط مدیران، باعث می‌گردند تا سیستم حسابداری بدرستی به اجرا درنیامده (ایرانمنش، ۱۳۸۵) و نتواند به اهداف مشخص شده اش که مهم‌ترین آنها ارائه صادقانه اطلاعات مالی به استفاده کنندگان می‌باشد دست پیدا کند.

در چنین سیستمی، شرکت‌هایی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم حول شبکه دولتی فعالیت می‌کنند، از مزایای خصوصی مانند دریافت اعتبارات با بهره‌ی پایین از بانک‌های تحت کنترل دولت و سایر رانت‌های دولتی بهره می‌گیرند (سجاتی^۱، ۲۰۰۹). در واقع در اقتصادهای مبتنی بر روابط، وابستگی به دولت یک عامل مهم اثرگذار بر ارزش شرکت به حساب می‌آید. از این رو، می‌توان بیان کرد که سیستم‌های اقتصادی مبتنی بر روابط، دارای قوانین اجرایی ضعیف بوده و در ارزیابی اطلاعات از شفافیت لازم برخوردار نیستند (راژان و زینگالس^۲، ۱۹۹۸).

نکته قابل توجه دیگر در خصوص کیفیت گزارش‌گری شرکت‌های دولتی این است که پاسخ‌گویی در بخش دولتی جایگاه مناسبی نداشته (بزرگ اصل، ۱۳۸۵) و اصولاً حس مسئولیت حسابداری در میان مدیران دولتی پایین می‌باشد. از آنجا که در شرکت‌های دولتی ماهیت مدیریت و مالکیت یه یکدیگر وابسته هستند و نیز حس مسئولیت پاسخگویی و حسابداری در آنها ضعیف است؛ بنابراین، انتظار می‌رود مسئولیت پاسخگویی در شرکت‌های دارای نفوذ شرکت‌های دولتی هم ضعیف باشد. بر این اساس، نمی‌توان انتظار داشت که سیستم حسابداری در بخش دولتی نقش خود را به خوبی ایفا کرده و هدف اصلی گزارشگری مالی را برای طیف وسیعی از ذی‌نفعان محقق سازد.

ژاآومینگ^۳ و همکاران (۲۰۱۱) دریافتند شرکت‌های خصوصی دارای ارتباطات سیاسی در چین، کیفیت سود پایین تری نسبت به شرکت‌های بدون روابط سیاسی دارند. همچنین، کمکهای دولت ممکن است به شکل یک سود یا ثروت بادآورده باشد که می‌تواند الگوی سری زمانی سودها را به هم ریخته و اجزای زودگذر سود را افزایش دهد (چن^۴ و همکاران، ۲۰۰۶). در این زمینه، اولسون^۵ (۱۹۹۵) و کولینز^۶ و همکاران (۱۹۹۷) بیان می‌کنند افزایش سودهای گذرا، پایداری سود را کاهش می‌دهد. با توجه به رابطه مثبت بین پایداری سود و کیفیت سود، وجود

روابط سیاسی می‌تواند موجب کاهش کیفیت سود شود.

بخش دولتی به طور گسترده نقش مهمی در اقتصاد ایران ایفا می‌کند و همچنان مشاهده می‌شود که پس از ابلاغ و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی از سال ۱۳۸۷ هنوز سایه مدیریت دولتی بر شرکت‌های واگذار شده وجود دارد. از این رو، با توجه به وجود انگیزه‌های شخصی، پایین بودن حس مسئولیت‌پذیری، بالا بودن میزان روابط سیاسی در شرکت‌های دارای سهام‌داران عمده دولتی و با اشاره به برخی تحقیقات انجام شده، این پژوهش، سطح کیفیت اطلاعات منتشر شده و به خصوص کیفیت سود توسط این شرکت‌ها را مورد تردید و پرسش قرار داده و بدنبال یافتن پاسخ مناسب برای این سؤال اساسی است که کیفیت گزارشگری مالی و به خصوص کیفیت سود گزارش شده شرکت‌های با سهام‌داران عمده دولتی نسبت به شرکت‌های با سهام‌داران عمده غیردولتی در چه سطحی قرار دارد.

۲. پیشینه پژوهش

کاتز^۷ (۲۰۰۸) در بررسی ساختار مالکیت شرکت با تأکید بر سرمایه‌گذاران سهام خصوصی و اثر گذاری آن بر کیفیت سود، به این نتیجه رسید که وجود سرمایه‌گذاران سهام خصوصی مانع مدیریت سود بیشتر و باعث شناسایی به موقع زیان می‌شوند. همچنین، شرکت‌های دارای سرمایه‌گذار خصوصی، عملکردهای بلند مدت و قیمت سهام بهتری دارند. سجاتی (۲۰۰۹) روابط سیاسی و ارتباط آن با کیفیت سود را در کشور مالزی و در سه دوره‌ی قبل از بحران مالی ۱۹۹۷، دوران بحران و پس از آن بررسی نمود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد روابط سیاسی با کیفیت ارقام تعهدی و مربوط بودن سود ارتباط معناداری ندارد. در دوران بحران، ارتباط سیاسی موجب پایداری کمتر سود می‌شود ولی در دوران قبل و پس از بحران پایداری سود شرکت‌های سیاسی و غیرسیاسی تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. همچنین در تمامی دوره‌های مورد بررسی ارتباط سیاسی رابطه معناداری با قابلیت پیش‌بینی کمتر سود دارد. در دوران پس از بحران نیز روابط سیاسی با هموارسازی کمتر سود مرتبط است اما در دوران قبل و طی بحران مالی تفاوت معناداری میان شرکت‌های سیاسی و غیر سیاسی از لحاظ هموارسازی مشاهده نشد. در نهایت نتایج نشان می‌دهد که حساسیت شرکت‌های سیاسی به خبرهای بد کمتر از شرکت‌های غیر سیاسی است. به عبارت دیگر

شرکت‌های با روابط سیاسی دارای سود کمتر محافظه کارانه در مقایسه با شرکت‌های غیر سیاسی دارند.

گیولی^۸ و همکاران (۲۰۱۰) به دنبال پاسخ به این سوال که آیا مالکیت دولتی، کیفیت سود را در مقایسه با شرکت‌های خصوصی بهبود می‌بخشد؛ دریافتند که شرکت‌های دارای سهام خصوصی نسبت به شرکت‌های دولتی کیفیت ارقام تعهدی بالاتر و انگیزه برای مدیریت سود کمتری دارند.

مدهوماتی و رانگانام^۹ (۲۰۱۱) در مقاله‌ای تحت عنوان "کیفیت سود، حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت" با هدف شناسایی علل کیفیت سود به بررسی کیفیت افشا از طریق ارقام تعهدی اختیاری و ارتباط آن با حاکمیت شرکتی پرداختند. با توجه به نتایج، مالکیت مدیریتی بیشتر، نشان دهنده‌ی ارقام تعهدی اختیاری بیشتر و کیفیت سود کمتر می‌باشد. همچنین، هر چه مالکیت نهادی و سطح استقلال حسابرسی بالاتر باشد، کیفیت سود بالاتر می‌شود.

ویسهوفر^{۱۰} (۲۰۱۱) با مطالعه بر روی کیفیت سود شرکت‌های خصوصی آلمان که از استانداردهای ملی به استانداردهای بین‌المللی تغییر روش داده‌اند، نشان داد کیفیت سود شرکت‌های خصوصی که تحت استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی هستند بیشتر است.

ژاومینگ و همکاران (۲۰۱۱) پس از مطالعه روابط سیاسی و کیفیت سود در شرکت‌های خصوصی چین دریافتند دولت و بازار سرمایه نظارتی، در تنظیم و نظارت ارتباطات سیاسی غفلت و مجازات‌های ضعیفی برای رفتارهای غیر قانونی افشا، اتخاذ می‌کنند. لذا، شرکت‌های خصوصی دارای ارتباطات سیاسی، کیفیت سود پایین‌تری نسبت به شرکت‌های بدون روابط سیاسی دارند. علاوه بر این، ارتباطات سیاسی این شرکت‌ها، فرصت مدیریت سود را نیز برای آنها ایجاد می‌کند.

کیم^{۱۱} و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی وجود رفتار متفاوت در گزارشگری مالی و محدود کردن مدیریت سود شرکت‌های داراری مسئولیت پاسخگویی اجتماعی در مقایسه با سایر شرکت‌ها می‌پردازند. آن‌ها دریافتند شرکت‌های با مسئولیت پاسخگویی اجتماعی، به میزان کمتری به مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری و دستکاری فعالیت‌های عملیاتی واقعی می‌پردازند. همچنین نتایج آنها قویاً به نظارت بر انگیزه‌های متعدد مسئولیت پاسخگویی اجتماعی و مدیریت سود، توجه به اجزا و ابعاد مسئولیت پاسخگویی اجتماعی و استفاده از

پروکسی‌های جایگزین برای مسئولیت پاسخگویی اجتماعی و کیفیت اقلام تعهدی تأکید دارند. به طوری که، وجود نگرانی‌های اخلاقی ناشی از مسئولیت پاسخگویی اجتماعی، مدیران شرکت‌ها را به سمت ارائه گزارش‌های مالی با کیفیت بالا سوق می‌دهد.

پیترسون^{۱۲} و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان هماهنگی حسابداری^{۱۳} و کیفیت سود، به بررسی قوام حسابداری به عنوان یکی از معیارهای کیفیت سود پرداخته‌اند. به عقیده آنها، هماهنگی و پایداری در سیاست‌های حسابداری، موجب تغییرات کمتر در اندازه‌گیری کیفیت سود شده و در نتیجه تخمین کیفیت سود را بهبود می‌بخشد. آن‌ها از ویژگی‌های پایداری، قابلیت پیش بینی، هموارسازی، کیفیت اقلام تعهدی و قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری برای کیفیت سود استفاده و دریافتند هماهنگی حسابداری یک عامل مهم در تعیین کیفیت سود می‌باشد. آن‌ها اظهار داشتند استفاده کنندگان از صورت‌های مالی می‌توانند با بررسی و مقایسه سیاست‌ها و رویه‌های حسابداری به کارگرفته شده توسط شرکت‌ها، بینش بهتری از کیفیت سود آن‌ها بدست آورند.

چنگ^{۱۴} و همکاران (۲۰۱۳) دریافتند رابطه مثبتی بین رقابت در بازار محصول و کیفیت سود وجود دارد. همچنین، نتایج نشان دهنده رابطه مثبت بین رقابت بازار محصول و دقت اطلاعات عمومی و خصوصی ارائه شده به سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران است. این یافته‌ها بیان می‌کنند که شرکت‌ها با بهره‌گیری از یک برتری انحصاری، از طریق ایجاد محیط اطلاعاتی مبهم، از جلب توجه شرکت‌های رقیب و سیاستمداران، اجتناب می‌کنند.

مرادی و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی تأثیر مالکیت عمومی و خصوصی بر کیفیت سود پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها بیان می‌کند در شرکت‌های عمومی، تعداد سهام‌داران بیشتر و لذا، تقاضا برای گزارشگری مالی با کیفیت، بیشتر است. همچنین مدیران شرکت‌های عمومی بیشتر نگران کمیت و کیفیت ارقام حسابداری بوده و حساسیت بیشتری در تجزیه و تحلیل سود نشان می‌دهند. همچنین به واسطه وجود هیئت مدیره در شرکت‌های عمومی، نظارت مضاعف ایجاد شده و نظارت و کنترل بر عملکرد مدیران بیشتر می‌شود.

جعفر و محمد نکونام (۱۳۹۱) به دنبال یافتن چگونگی ارتباط بین ساختار مالکیت و محافظه کاری حسابداری، ساختار مالکیت را از دو جنبه‌ی اساسی نوع مالکیت (مالکیت نهادی، شرکتی، مدیریتی) و میزان تمرکز مالکیت بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که بین

سطح مالکیت نهادی و مدیریتی و میزان تمرکز مالکیت با محافظه کاری حسابداری رابطه معکوس اما بین سطح مالکیت شرکتی و محافظه کاری رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد. بر خلاف بررسی‌های پیشین، این پژوهش به لحاظ اینکه از معیارهای بیشتری در ارزیابی کیفیت سود استفاده کرده دارای ویژگی برجسته ای است. برای این منظور، سعی بر آن بوده از هر یک از گروه ویژگی‌های کیفیت سود، به اقتضای موضوع این پژوهش، نماینده ای به عنوان سنجی کیفیت سود حضور داشته باشد. چرا که با توجه به جنبه‌های مختلف کیفیت سود، هرچه شاخص‌های مورد استفاده بیشتر باشد نتایج دقیق تر بوده و توضیح دهندگی روابط بهبود می‌یابد.

۳. فرضیه‌های پژوهش

با توجه به سنجه‌های کیفیت سود و نوع مالکیت شرکت‌ها با تأکید بر سهام‌داران عمده آنها، فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر بیان می‌شوند:

۱. ۳. فرضیه اول: نوع مالکیت با کیفیت اقلام تعهدی رابطه‌ی معنادار دارد.
۲. ۳. فرضیه دوم: نوع مالکیت با پایداری سود رابطه‌ی معنادار دارد.
۳. ۳. فرضیه سوم: نوع مالکیت با قابلیت پیش بینی سود رابطه‌ی معنادار دارد.
۴. ۳. فرضیه چهارم: نوع مالکیت با هموارسازی سود رابطه‌ی معنادار دارد.
۵. ۳. فرضیه پنجم: نوع مالکیت با مربوط بودن سود رابطه‌ی معنادار دارد.
۶. ۳. فرضیه ششم: نوع مالکیت با محافظه کاری حسابداری رابطه‌ی معنادار دارد.

۴. روابط تئوریک بین متغیرها

۴-۱. نوع مالکیت و کیفیت اقلام تعهدی

مطالعات متعددی بیان می‌کنند که سود به عنوان یکی از نتایج فرآیند اقلام تعهدی نسبت به جریان وجه نقد، اندازه گیری بهتری را از عملکرد شرکت ارائه می‌دهد. این مطلب در بیانیه‌ی FASB به شرح ذیل توضیح داده شده است: "به طور کلی اطلاعات مرتبط با سود واحد تجاری و اجزای آن که از طریق حسابداری اقلام تعهدی اندازه گیری می‌شود، نسبت به اطلاعات مرتبط با وجه نقد، نشانه‌ی بهتری از عملکرد واحد تجاری فراهم می‌کنند". اتریچ و

هسو^{۱۵} (۲۰۱۴) برای اقلام تعهدی محتوای اطلاعاتی قائلند. آنان معتقدند اگر در پیش‌بینی جریان نقد عملیاتی، علاوه بر اقلام نقدی، اقلام تعهدی هم در نظر گرفته شوند، پیش‌بینی‌ها از دقت بالاتری برخوردار خواهند شد. کمیته تدوین استانداردهای حسابداری ایران نیز در مفاهیم نظری گزارشگری مالی بیان نموده است که « اتخاذ تصمیمات اقتصادی توسط استفاده کنندگان صورت‌های مالی مستلزم ارزیابی توان واحد تجاری جهت ایجاد وجه نقد و قطعیت آن است.» (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۶، ۶۷۴) و در استاندارد حسابداری شماره ۱ نیز استفاده از مبنای تعهدی را جهت ارائه اطلاعات مالی شرکت‌ها مورد تأکید قرار داده است. با این حال، اقلام تعهدی اغلب مبتنی بر فرضیات و برآوردها هستند. از این رو، زمانی که خطای برآوردی اقلام تعهدی افزایش یابد، کیفیت اقلام تعهدی و کیفیت سود کاهش می‌یابد (دستگیر و رستگار، ۱۳۹۰).

دیچاو و دیچو^{۱۶} (۲۰۰۲) بیان کردند که کیفیت اقلام تعهدی به طور سیستماتیک به ویژگی‌های شرکت مانند پیچیدگی معاملات و قابلیت پیش‌بینی اتفاقات پیرامون شرکت بستگی دارد. چن و همکاران (۲۰۰۶) استدلال می‌کنند روابط سیاسی یک بعد جدید به فرآیند تولید سود اضافه کرده و آن را پیچیده تر می‌کند. این پیچیدگی ممکن است خطای برآورد اقلام تعهدی را افزایش دهد. در نتیجه ممکن است منجر به کاهش کیفیت اقلام تعهدی شود.

۲-۴. نوع مالکیت و پایداری سود

پایداری سود به معنای ماندگاری سود است. فیسمن^{۱۷} (۲۰۰۱) استدلال می‌کند روابط و وابستگی دولتی، جایگزین اصول اقتصادی شرکت‌ها شده و تعیین کننده‌ی اولیه در سودآوری شرکت‌های دولتی می‌باشد. وی نشان می‌دهد که سود شرکت‌های دولتی به طور گسترده از طریق تصمیمات دولت برای اعطای امتیازات به آنها تأثیر می‌پذیرد (مانند یارانه‌ها، قراردادهای مجوزها، تخفیفات مالیاتی و ...). در ایران نیز این رویه دنبال شده و شرکت‌های دولتی اغلب از امکانات و تسهیلات بیشتری نسبت به بخش خصوصی برخوردار هستند. کمک‌های دولت ممکن است به شکل یک سود یا ثروت بادآورده باشد که می‌تواند الگوی سری زمانی سودها را به هم ریخته و اجزای زودگذر سود را افزایش دهد (چن و همکاران، ۲۰۰۶). در این زمینه، اولسون (۱۹۹۵) و کولینز و همکاران (۱۹۹۷) بیان می‌کنند افزایش سودهای گذرا، پایداری سود را

کاهش می‌دهد.

۳-۴. نوع مالکیت و قابلیت پیش بینی سود

زمانی که ارقام تاریخی سود توان پیش بینی سودهای آتی را دارا باشد، امکان ارزیابی سودآوری آتی فراهم می‌شود (مهرانی و همکاران، ۱۳۸۹). اولسون (۱۹۹۹) اظهار می‌کند که سودهای گذرا برای پیش بینی کل سود در سال آتی نامربوط تلقی می‌شوند. بنابراین سودهای گذرای بزرگتر، ممکن است قابلیت پیش بینی سود را کاهش دهند.

به علاوه، افزایش عدم اطمینان و ابهام در سود، باعث کاهش قابلیت پیش بینی آن می‌شود. ایمهوف و لوبو^{۱۸} (۱۹۹۲) بیان می‌کنند عدم قطعیت در سودهای حسابداری ممکن است به ابهام اساسی در جریان‌ات وجوه نقد آتی مورد انتظار نسبت داده شوند. طبق اظهارات سجاتی (۲۰۰۹) شرکت‌های دولتی یک عدم قطعیت ذاتی بزرگ در سودهایشان دارند زیرا، آن‌ها نسبت به زمان‌بندی یا مقدار کمک‌های دولتی که قرار است دریافت کنند با ابهام مواجه هستند.

چن و همکاران (۲۰۰۶) دریافتند نتایج پیش بینی تحلیل‌گرها دارای دقت کم و واگرایی بیشتر در شرکت‌های وابسته به دولت نسبت به شرکت‌های غیر وابسته است و بیان کردند روابط سیاسی یک بعد جدیدی را به فرآیند تولید سود اضافه می‌کند که موجب مشکل تر شدن پیش بینی سود می‌شود.

۴-۴. نوع مالکیت و هموارسازی سود

به گفته بیدلمن^{۱۹} (۱۹۷۳) هموارسازی می‌تواند به عنوان تلاش‌های مدیریت برای تعدیل عمدی نوسانات سودهای گزارش شده تعریف شود. همچنین از نظر واتز و زیمرمن^{۲۰} (۱۹۹۰) شرکت‌هایی که سود و زیان‌های بالایی گزارش می‌کنند، متحمل هزینه‌های سیاسی می‌شوند. طبق این تئوری، شرکت‌های دولتی ممکن است انگیزه‌های بیشتری برای هموار کردن سودهای گزارش شده خود داشته باشند. زیرا سود و زیان‌های بزرگ ممکن است توجه عمومی را به خود معطوف کند. جلب توجه کردن شرکت می‌تواند روابط سیاسی و معامله تجاری شرکت با حامیان سیاسی خود را آشکار و برجسته نموده و منجر به بررسی دقیق و نظارت عمومی بیشتر

شود. از طرف دیگر، کمک‌های دولت می‌تواند باعث هموار شدن کمتر سود گزارش شده شود. بنابراین، تغییر در نوع مالکیت می‌تواند با هر کدام از هموارسازی بیشتر یا کمتر سود همراه باشد.

۵-۴. نوع مالکیت و مربوط بودن سود

کمیته تدوین استانداردهای حسابداری ایران در فصل دوم مفاهیم نظری گزارشگری مالی بیان می‌کند، به طور کلی خصوصیات کیفی به خصوصیتی اطلاق می‌شود که موجب می‌گردد اطلاعات ارائه شده در صورت‌های مالی برای استفاده کنندگان در راستای وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف پذیری مالی واحد تجاری مفید واقع شود. مربوط بودن و قابل اتکا بودن از خصوصیات کیفی اصلی مرتبط با محتوای اطلاعات محسوب می‌شوند (استاندارد شماره ۲. مفاهیم نظری گزارشگری مالی). جهت بیان رابطه بین نوع مالکیت و مربوط بودن به عنوان یکی از ویژگی‌های کیفیت سود، همان طور که پیش از این بیان شد، وجود روابط سیاسی و کمک‌های دولت، درآمدها و سودهای زودگذر را افزایش می‌دهد. افزایش سودهای گذرا پایداری سود را کاهش خواهد داد لذا، منجر می‌شود که مربوط بودن سود در ارتباط بین سود و بازده سهام کاهش یابد (اولسون، ۱۹۹۵. کولینز و همکاران، ۱۹۹۷).

۶-۴. نوع مالکیت و محافظه کاری سود

تأثیر دخالت دولت در اقتصاد بر روی محافظه کاری حسابداری مبهم بوده و بر عقایدی درباره‌ی انگیزه‌های اساسی دولت برای دخالت مشروط است (بوشمن^{۲۱} و همکاران، ۲۰۰۴). از لحاظ تئوری، زمانی که دولت دریابد شرکت‌ها به طور ضعیف یا ناکارآمد فعالیت می‌کنند، مداخله خواهد کرد (گرسچن کرون^{۲۲}، ۱۹۶۲). طبق این نظریه شرکت‌ها به منظور نشان دادن عملکرد بهتر، انگیزه‌ی بیشتری برای ارائه‌ی گزارش با محافظه کاری کمتر خواهند داشت. تئوری دیگری بیان می‌کند دولت برای باقی ماندن در قدرت و بهره مندی از ثروت شرکت‌ها، سیاستی را اتخاذ می‌نماید که از طریق فراهم کردن یارانه‌ها و سایر منافع در مقابل حق رأی و مشارکت سیاسی، کنترل واحدهای تجاری را در اختیار بگیرد (بوشمن و پیوتروسکی^{۲۳}، ۲۰۰۶. نورت^{۲۴}، ۱۹۹۰). طبق این تئوری، سیاست مداران به منظور مصادره و از تملک خارج کردن

ثروت سهام‌داران (مالکان) به دنبال شواهدی از سودآوری بالای شرکت بوده و لذا، مدیران شرکت‌های دولتی انگیزه‌ی بیشتری برای ارائه‌ی گزارش محافظه‌کارانه‌تر خواهند داشت. همچنین، شرکت‌های با مالکیت دولتی ممکن است برای گزارش ارقام حسابداری خوش‌بینانه از طرف دولت تحت فشار باشند. زیرا دولت یا سیاست‌مداران سعی دارند از مورد انتقاد قرارگرفتن در خصوص شکست شرکت و یا مرتبط بودن با شرکت‌های ورشکسته دوری کنند (بوشمن و همکاران، ۲۰۰۴).

۵. روش تحقیق

مطالعه حاضر بر حسب هدف از نوع تحقیقات کاربردی بوده و برای بررسی فرضیه‌ها از تحلیل رگرسیون چند متغیره تابلویی استفاده شده است. بدین منظور، ابتدا هر یک از ویژگی‌های کیفیت سود با استفاده از متغیرهای مربوطه اش اندازه‌گیری و سپس، به منظور بررسی ارتباط با نوع مالکیت شرکت، هر یک از این ویژگی‌ها به طور جداگانه در قالب مدل داده‌های تابلویی تخمین زده می‌شوند. اطلاعات و داده‌های مورد نیاز جهت تحلیل رابطه بین داده‌ها عمدتاً از نرم افزار اطلاعاتی تدبیر پرداز، ره آورد نوین وسایت اطلاع رسانی بورس اوراق بهادار تهران استخراج شده و با استفاده از نرم افزارهای (۶) Eviews، (۱۲) Stata و (۱۷) SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند.

جامعه‌ی آماری مورد بررسی، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و دوره مورد مطالعه، سال‌های مالی ۱۳۸۱ الی ۱۳۹۰ می‌باشد. معیارهای اعمال شده برای انتخاب نمونه به شرح ذیل بوده است:

۱. شرکت از ابتدای سال ۱۳۸۱ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته و وقفه‌ی معاملاتی بیش از شش ماه نداشته باشد.

۲. سال مالی شرکت به ۲۹ اسفند ختم شود و شرکت در دوره مورد مطالعه، سال مالی خود را تغییر نداده باشد.

۳. جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی و بانک‌ها ولیزینگ‌ها) نباشد. زیرا افشاهای مالی و ساختارهای اصول حاکمیت شرکتی در آن‌ها متفاوت است.

۴. اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه‌ی متغیرهای تحقیق در سال‌های مورد بررسی در دسترس باشد.

در نهایت ۱۰۹ شرکت برای یک دوره ۷ ساله جهت بررسی رابطه بین نوع مالکیت و کیفیت سود انتخاب شد که ۶۳ شرکت دولتی و ۳۶ شرکت غیر دولتی می‌باشند. ۱۰ شرکت نیز در بازه مورد بررسی دارای تغییراتی در ساختار مالکیت بوده و این شرکت‌ها از دولتی به غیر دولتی و یا بالعکس تبدیل شده‌اند.

۱-۵. متغیر مستقل: (نوع مالکیت)

شرکت با مالکیت دولتی؛ بر اساس ماده ۴ قانون محاسبات عمومی، به شرکتی اطلاق شده است که بیش از ۵۰ درصد سهام آن متعلق به دولت و یا بخش‌ها و یا شرکت‌های دولتی دیگر و یا نهادهای عمومی تحت مدیریت دولت باشد. محمدی و همکاران (۱۳۸۸) نیز برای متغیر نوع مالکیت با تفکیک دولتی بودن، از این تعریف استفاده کرده‌اند.

لازم به ذکر است شرکت‌های شبه دولتی نیز در این تحقیق در گروه شرکت‌های دولتی تقسیم‌بندی شده‌اند. شرکت‌های شبه دولتی، شرکت‌هایی هستند که عملاً دولتی بوده اما خصوصی تعریف می‌شوند. در چنین شرکت‌هایی، سیاست‌های دولت از طریق مدیریت مستقیم یا غیر مستقیم بر آن‌ها اعمال می‌شود و دولت دارای نفوذ و کنترل بر آنها است.

به منظور تفکیک شرکت‌های دولتی و غیر دولتی، درصد سهام‌داران شرکت‌های نمونه مورد بررسی قرار گرفت. در این تحقیق، سهام‌داران عمده به سهام‌دارانی اطلاق شده است که توانایی هدایت سیاست‌های مالی و عملیاتی شرکت را دارا باشند. در شرکت‌هایی که مجموع درصد سهام‌داران دولتی آن بیش از ۵۰ درصد کل سهام شرکت بوده، در گروه شرکت‌های دولتی قرار گرفته است. محمدی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود، مالکیت دولتی را به شرکت‌هایی اطلاق کرده‌اند که بیش از ۵۰٪ سهام آنها متعلق به دولت و یا بخش‌ها و شرکت‌های دولتی دیگر باشد. برای مثال، در شرکت کاشی نیلو، شرکت‌های سرمایه‌گذار صد تأمین و صبا تأمین در مجموع بیش از ۵۰ درصد سهام شرکت را دارا می‌باشند. بنابراین، شرکت کاشی نیلو در گروه شرکت‌های دولتی قرار داده شده است. شرکت‌هایی مانند چرخشگر، ایران خودرو، سایپا، فنر سازی زر، کمک فنر ایندامن سایپا، داروپخش، داروسازی اسوه، سیمان

صوفیان، پتروشیمی آبادان، پتروشیمی خارگ و ... در گروه شرکت‌های دولتی منظور شده‌اند. در همین راستا، طالب نیا و محمدزاده (۱۳۸۴) از متغیرهای خصوصی سازی و شرکت دولتی استفاده و از طریق منطق بررسی درصد مالکیت دولت، به تعریف متغیرها پرداخته‌اند. بابایی و احمدوند (۱۳۸۷) در بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت‌ها، شرکت‌هایی که مالکیت آنها کاملاً دولتی بوده، مدیریت و نحوه اداره آنها به طور مستقیم تحت نظر دولت صورت گرفته باشد را به عنوان گروه شرکت‌های دولتی معرفی کرده‌اند. بنی مهد و باغبانی (۱۳۸۸) در پژوهش خود، به منظور تفکیک شرکت‌های دولتی و غیر دولتی از روش بررسی درصد مالکیت دولت در شرکت‌های نمونه استفاده کرده‌اند. بنی مهد و محسنی (۱۳۸۹) نیز در بررسی در تحقیقی، متغیر مالکیت دولتی را درصد سهام متعلق به دولت تعریف کرده‌اند. همچنین، پناهی و همکاران (۱۳۹۲) متغیر مستقل نوع مالکیت را به سه گروه شرکت‌های دولتی، خصوصی و عمومی تقسیم و شرکت‌هایی که مالک (مالک تصمیم گیر) آنها دولت است را به عنوان شرکت‌های دولتی تعریف کرده‌اند.

شرکت‌هایی که ویژگی‌های شرکت‌های دولتی و شبه دولتی را دارا نباشند و در گروه آنها جای نگیرند، به عنوان شرکت‌های غیر دولتی تقسیم بندی شده‌اند.

۲-۵. متغیر وابسته: (کیفیت سود)

برای اندازه گیری کیفیت سود از شش شاخص به شرح کیفیت اقلام تعهدی، پایداری سود، قابلیت پیش بینی سود، هموارسازی سود، مربوط بودن و محافظه کاری سود استفاده شده است:

کیفیت اقلام تعهدی

کیفیت اقلام تعهدی حدی است که اقلام تعهدی، شناسایی جریان‌های نقدی را تعدیل یا منتقل می‌کند تا ارقام تعدیل شده، عملکرد واحد تجاری را بهتر اندازه گیری کند (مجتهدزاده و احمدی، ۱۳۸۸). مک نیکولز^{۲۵} (۲۰۰۲) مدل دیچاو و دیچو (۲۰۰۲) را با منظور کردن تغییرات فروش، اموال، ماشین آلات و تجهیزات اصلاح و به طور قابل توجهی قدرت توضیح دهنده‌گی مدل را بهبود بخشیده و خطای اندازه گیری مدل دیچاو و دیچو (۲۰۰۲) را کاهش می‌دهد. سجاتی (۲۰۰۹) و نیکومرام و محمدزاده (۱۳۸۹) نیز از این مدل برای اندازه گیری کیفیت

اقدام تعهدی استفاده کرده اند.

$$TCA_{j,t} = \alpha_0 + \alpha_1 CFO_{j,t-1} + \alpha_2 CFO_{j,t} + \alpha_3 CFO_{j,t+1} + \alpha_4 \Delta REV_{j,t} + \alpha_5 PPE_{j,t} + \varepsilon_{j,t} \quad \text{مدل ۱}$$

که در آن:

$TCA_{j,t}$: کل اقدام تعهدی جاری در سال t :

$$TCA_{j,t} = \Delta CA_{j,t} - \Delta CL_{j,t} - \Delta Cash_{j,t} + \Delta STDEBT_{j,t} + \Delta TP_{j,t}$$

$CFO_{j,t}$: جریان وجه نقد عملیاتی در سال t ؛ از طریق سود خالص قبل از اقدام غیرمترقبه

منهای کل اقدام تعهدی (TA) محاسبه می‌شود، که در آن:

$$TA_{j,t} = \Delta CA_{j,t} - \Delta CL_{j,t} - \Delta Cash_{j,t} + \Delta STDEBT_{j,t} + \Delta TP_{j,t} - Dep_{j,t}$$

CFO_{t-1} : جریان وجه نقد عملیاتی در سال $t-1$.

CFO_{t+1} : جریان وجه نقد عملیاتی در سال $t+1$.

ΔREV : تغییر درآمد فروش بین سال های t و $t-1$.

$PPE_{j,t}$: اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت در سال t (خالص دارایی‌های ثابت مشهود)

$\Delta CA_{j,t}$: تغییر در دارایی‌های جاری بین سال های t و $t-1$.

$\Delta CL_{j,t}$: تغییر در بدهی‌های جاری بین سال های t و $t-1$.

$\Delta Cash_{j,t}$: تغییر در وجه نقد بین سال های t و $t-1$.

$\Delta STDEBT_{j,t}$: تغییر در وام‌های کوتاه مدت در درون بدهی‌های جاری.

$\Delta TP_{j,t}$: تغییر در مالیات پرداختنی بین سال های t و $t-1$.

$Dep_{j,t}$: هزینه‌ی استهلاک دارایی‌های نامشهود دارایی‌های ثابت.

تمامی متغیرها بر اساس میانگین کل دارایی‌ها در سال t ، تعدیل شده‌اند.

جمله خطای ($\varepsilon_{j,t}$) معادله (۱) اقدام تعهدی غیرعادی را در اختیار قرار می‌دهد.

جهت اندازه گیری کیفیت اقدام تعهدی (AQ) نیز از معیار انحراف معیار متحرک سه ساله

جملات خطای بدست آمده از معادله (۱) استفاده شده است (وانگ^{۲۶}، ۲۰۰۶). برای آزمون

ارتباط بین کیفیت اقدام تعهدی و نوع مالکیت از معادله رگرسیونی زیر و با لحاظ نمودن

اندازه‌ی شرکت، میزان سودآوری (بازده دارایی‌ها)، اهرم مالی، فرصت‌های رشد و اندازه

حسابرسی به عنوان متغیرهای کنترلی استفاده شده است (چنگ و وارفیلد^{۲۶}، ۲۰۰۵).

سجاتی، ۲۰۰۹).

$$AQ_{j,t} = \delta_0 + \delta_1 OSH_{j,t} + \delta_2 SIZE_{j,t} + \delta_3 ROA_{j,t} + \delta_4 LEV_{j,t} + \delta_5 GROWTH_{j,t} + \delta_6 AUDIT_{j,t} + \omega_{j,t} \quad \text{مدل ۲}$$

که در آن:

$AQ_{j,t}$: کیفیت اقلام تعهدی برای شرکت j در سال t .

$OSH_{j,t}$: متغیر موهمی مالکیت شرکت، اگر مالکیت دولتی یا شبه دولتی باشد ۱ و در غیر

این صورت صفر.

$SIZE_{j,t}$: لگاریتم طبیعی ارزش بازار شرکت j در سال t که برابر است با حاصل ضرب نرخ

بازار سهام آخرین روز معاملاتی سال در تعداد سهام شرکت.

$ROA_{j,t}$: سودخالص شرکت در سال t تقسیم بر میانگین کل دارایی‌های شرکت در سال t .

$LEV_{j,t}$: اهرم مالی شرکت j در سال t ، از طریق تقسیم کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌ها

محاسبه می‌شود.

$GROWTH_{j,t}$: نرخ رشد فروش شرکت j در سال t .

$AUDIT_{j,t}$: اگر حسابرس، سازمان حسابرسی باشد از عدد ۱ و در غیر این صورت از عدد

صفر استفاده خواهد شد.

ضریب متغیر نشانگر نوع مالکیت (δ_1)، ارتباط بین نوع مالکیت و کیفیت اقلام تعهدی را

نشان می‌دهد. یک برآورد مثبت (منفی) نشان می‌دهد مالکیت دولتی با کیفیت اقلام تعهدی

پایین تر (بیشتر) مرتبط است.

پایداری سود

به پیروی از مطالعه‌ی مشایخی و محمدآبادی (۱۳۸۹)، اندازه‌ی شرکت، اهرم مالی و

میزان رشد شرکت (MTB) به عنوان متغیرهای کنترلی برای بررسی پایداری سود در آزمون

رابطه بین نوع مالکیت و پایداری سود استفاده شده است:

$$X_{j,t} = \phi_0 + \phi_1 X_{j,t-1} + \phi_2 OSH_{j,t} \times X_{j,t-1} + \phi_3 SIZE_{j,t} \times X_{j,t-1} + \phi_4 LEV_{j,t} \times X_{j,t-1} + \phi_5 MTB_{j,t} \times X_{j,t-1} + v_{j,t} \quad \text{مدل ۳}$$

که در آن:

$X_{j,t}$: سود تقسیم سالانه‌ی هر سهم در زمان t .

$X_{j,t-1}$: سود تقسیم سالانه‌ی هر سهم در زمان $t-1$.

$OSH_{j,t}$: متغیر موهمی مالکیت شرکت، اگر دولتی باشد ۱ و در غیر این صورت صفر.

$MTB_{j,t}$: سطح رشد که برابر است با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان

سهام در سال t منهای این نسبت در سال $t-1$ تقسیم بر همان نسبت در سال $t-1$.

$SIZE_{j,t}$ و $LEV_{j,t}$ در مدل قبل توضیح داده شده‌اند.

$X_{j,t}$ سود تقسیمی سالانه‌ی هر سهم را برای شرکت j در زمان t نشان می‌دهد. اندازه

پایداری سود از طریق شیب معادله (۳) بدست می‌آید. پایداری سود میزان میل کردن ϕ_1 به

سمت عدد ۱ بیان می‌شود. ϕ_1 متمایل به عدد صفر، بر سودهای زودگذر یا پایداری پایین سود

دلالت دارد. ضریب متغیر نشانگر نوع مالکیت ϕ_2 رابطه بین نوع مالکیت و پایداری سود را بیان

می‌کند. ضریب مثبت (منفی) متغیر نوع مالکیت، نشان می‌دهد که مالکیت دولتی با سطح

بالایی (پایینی) از پایداری سود در ارتباط است.

قابلیت پیش بینی سود

قابلیت پیش بینی سود با انحراف معیار متحرک سه ساله جملات خطای رگرسیون مدل

(۴) اندازه گیری می‌شود لپ^{۲۸}، (۱۹۹۰). مقدار بزرگتر (کوچکتر) انحراف معیار نشان دهنده

قابلیت پیش بینی کمتر (بیشتر) سود است. برای آزمون تفاوت معناداری قابلیت پیش بینی

سود بین شرکت‌های دولتی و غیر دولتی، از آزمون t دو گروه مستقل استفاده شده است. در

مدل زیر، $X_{j,t}$ و $X_{j,t-1}$ قبلا توضیح داده شده‌اند.

$$X_{j,t} = \phi_0 + \phi_1 X_{j,t-1} + v_{j,t} \quad \text{مدل ۴}$$

هموارسازی سود

هموارسازی سود با آزمون انحراف معیار جریان وجه نقد عملیاتی شرکت به انحراف معیار

سود خالص قبل از ارقام غیرعادی که بر اساس کل دارایی‌های اول دوره تعدیل شده اند اندازه

گیری می‌شود (مدل ۵). اندازه گیری هموارسازی مورد استفاده در این تحقیق مشابه لئوز^{۲۹} و

همکاران (۲۰۰۳) و فرانسیس^{۳۰} و همکاران (۲۰۰۴) می‌باشد.

$$SMOOTH_{j,t} = \frac{\sigma(CFO_{j,t})}{\sigma(NIBE_{j,t})}$$

مدل ۵

مقدار بزرگتر (کوچکتر) این نسبت، هموارسازی بیشتر (کمتر) سود را نشان می‌دهد. برای آزمون ارتباط بین نوع مالکیت و هموارسازی سود، مقدار این نسبت با متغیر موهومی نوع مالکیت و متغیرهای کنترل طبق مدل زیر بررسی می‌شود:

$$SMOOTH_{j,t} = \beta_0 + \beta_1 OSH_{j,t} + \beta_2 LEV_{j,t} + \beta_3 SIZE_{j,t} + \beta_4 ROA_{j,t} + \varepsilon_{j,t} \quad \text{مدل ۶}$$

طبق تئوری حسابداری اثباتی، اهرم مالی و اندازه‌ی شرکت به عنوان متغیرهای کنترل به مدل اضافه شده‌اند. اهرم مالی شاخصی برای هزینه‌های بدهی است. شرکت‌هایی که اهرم مالی بالاتری دارند، احتمال بیشتری می‌رود که برای جلوگیری از نوسانات سود، آن را هموار کرده و ممکن است تعهدات بدهی را نقض کنند. اندازه‌ی شرکت، شاخصی برای هزینه‌های سیاسی است. شرکت‌های بزرگتر برای حداقل کردن هزینه‌های مداخله برون سازمانی، انگیزه‌های بیشتری برای هموارسازی سود دارند (واتز و زیمرمن، ۱۹۹۰).

همچنین عشری^{۳۱} و همکاران (۱۹۹۴) بیان می‌کنند که نوسانات سود تأثیر شدیدی بر سود آوری پایین شرکت‌ها دارد. بنابراین بازده دارایی‌ها نیز برای کنترل سود آوری شرکت به مدل اضافه شده است.

ضریب متغیر نوع مالکیت (β_1) رابطه بین نوع مالکیت و هموارسازی سود را نشان می‌دهد. یک تخمین مثبت (منفی) از β_1 مشخص می‌کند که مالکیت دولتی با هموارسازی بالا (پایین) سود مرتبط است.

مربوط بودن سود

میزان مربوط بودن سود براساس قدرت توضیح دهنده‌ی سود برای بازده سهام مشخص می‌شود (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴. علی و وانگ^{۳۲}، ۲۰۰۰). به طور خاص، مربوط بودن از طریق ضریب تعیین تعدیل شده از معادله رگرسیون زیر حاصل می‌شود:

$$RET_{j,t} = \delta_0 + \delta_1 EARN_{j,t} + \delta_2 EARN_{j,t-1} + \delta_3 \Delta EARN_{j,t} + \varepsilon_{j,t} \quad \text{مدل ۷}$$

که در آن:

$RET_{j,t}$: بازده سهام شرکت j در سال t .

$EARN_{j,t}$: سود خالص قبل از اقلام غیر مترقبه شرکت j در سال t ، تعدیل شده بر اساس

ارزش بازار سرمایه در ابتدای سال t .

$EARN_{j,t-1}$: سود خالص قبل از اقلام غیر مترقبه شرکت j در سال $t-1$ ، تعدیل شده بر

اساس ارزش بازار سرمایه در ابتدای سال $t-1$.

$\Delta EARN$: تغییر در سود خالص قبل از اقلام غیر مترقبه شرکت j بین سال t و $t-1$.

تعدیل شده بر اساس ارزش بازار سرمایه در پایان سال $t-1$.

مدل (۷) برای شرکت‌های دولتی و غیر دولتی در طول دوره‌ی تحقیق به طور مجزا اجرا و

ضریب تعیین آن استخراج می‌شود. قدرت توضیح دهنده‌ی (\bar{R}^2) بیشتر، نشان دهنده‌ی مربوط بودن بالای سود است.

محافظه کاری سود

بال و شیواکومار^{۳۳} (۲۰۰۵) اظهار داشتند سود بدست آمده از طریق محافظه کاری دارای

کیفیت بالایی خواهد بود. باسو^{۳۳} (۱۹۹۷) از مدل رگسیون معکوس زیر برای بدست آوردن اندازه محافظه کاری استفاده کرده است:

$$EARN_{j,t} = \beta_0 + \beta_1 NEG_{j,t} + \beta_2 RET_{j,t} + \beta_3 NEG_{j,t} \times RET_{j,t} + \varepsilon_{j,t} \quad \text{مدل ۸}$$

$NEG_{j,t}$: اگر $RET_{j,t} < 0$ برابر ۱ و در غیر این صورت صفر.

حساسیت سود به خبرهای خوب (بازدهی مثبت) از طریق برآورد β_2 اندازه گیری می‌شود.

در حالی که حساسیت سود به خبرهای بد (بازدهی منفی) توسط $\beta_2 + \beta_3$ محاسبه می‌شود.

β_3 ارزیابی می‌کند که نهایت حساسیت سود به خبرهای بد بیشتر از خبرهای خوب است و

مقدار مثبت آن نشان دهنده‌ی حساسیت بیشتر سود به خبرهای بد نسبت به خبرهای خوب

است، که این بیانگر محافظه کاری حسابداری است.

برای اندازه گیری حساسیت سود به خبرهای خوب و بد مشروط بر دولتی یا غیر دولتی

بودن شرکت، مدل باسو (۱۹۹۷) توسط ترکیب متغیر نشانگر مالکیت دولتی، توسعه داده می‌شود. مدل توسعه داده شده به شرح زیر است:

$$EARN_{j,t} = \beta_0 + \beta_1 NEG_{j,t} + \beta_2 RET_{j,t} + \beta_3 NEG_{j,t} \times RET_{j,t} + \beta_4 OSH_{j,t} + \beta_5 OSH_{j,t} \times NEG_{j,t} + \beta_6 OSH_{j,t} \times RET_{j,t} + \beta_7 OSH_{j,t} \times NEG_{j,t} \times RET_{j,t} + \gamma_k Control + \varepsilon_{j,t}$$

مدل ۹

β_7 تفاوت حساسیت سود به خبرهای بد را برای شرکت‌های دولتی نسبت به غیر دولتی اندازه و تفاوت بین آن‌ها را بیان می‌کند. تحقیقات گذشته اظهار می‌دارند که اندازه شرکت (SIZE)، اهرم مالی (LEV)، اندازه حسابرسی (AUDIT) بر روی محافظه کاری سود تأثیر گذار هستند. بنابراین این متغیرها به عنوان متغیرهای کنترل به مدل (۹) اضافه می‌شوند.

۶. تحلیل فرضیات و یافته‌های تحقیق

در نگاره شماره ۱ آمار توصیفی متغیرهای تحقیق ارائه شده است. با توجه نتایج بدست آمده از آمار توصیفی، احتمال مربوط به آماره جاک برا برای تمام متغیرها کمتر از ۰.۰۱ است لذا، در سطح اطمینان ۹۹٪ فرض صفر آزمون مبنی بر نرمال بودن توزیع داده‌ها تأیید نشده است. بنابراین همه‌ی داده‌ها دارای توزیع غیر نرمال می‌باشند.

نگاره ۱: آمار توصیفی داده‌ها*

نام متغیر	میانگین	ماکزیمم	مینیمم	چولگی	کشیدگی	انحراف معیار	تست جاک برا	تعداد مشاهدات
Aq	۰.۰۵۱	۰.۳۲۸۹	۰.۰۰۲	۲.۴۹	۱۲.۱۰	۰.۰۴۳	۰.۰۰۰۱	۶۴۸
Size	۱۲.۵۹	۱۷.۲۰۶	۹.۳۱۴	۰.۳۹	۳.۱۶	۱.۴۸	۰.۰۰۰۱	۷۶۳
ROA	۰.۱۲۶	۰.۶۳۶۵	-۰.۳۱۲	۰.۶۳	۴.۹۲	۰.۱۲	۰.۰۰۰۱	۷۶۳
Lev	۰.۶۵۱	۲.۲۰۹	۰.۱۰۳	۰.۶۹	۱۰.۲۵	۰.۱۸	۰.۰۰۰۱	۷۶۳
Growth	۰.۱۹۴	۱۰.۸۷۲	-۰.۹۴۸	۱۲.۰۵	۱۸۷.۲	۰.۶۴	۰.۰۰۰۱	۶۴۸
Dps	۷۴۱.۲۰	۷۰۰۰	۰	۲.۸۸۳	۱۴.۲۰	۲۱.۲	۰.۰۰۰۱	۷۶۳
MTB	۲۹.۷۵۷	۸۹۴۱.۱	-۵.۰۲۰	۱۷.۰۷۷	۳۰۸.۳	۴۵۳.۸۶	۰.۰۰۰۱	۷۶۳
Smooth	۵.۲۰۴	۱۳۴.۱۸	۰.۰۹۶	۷.۰۷۴	۷۲.۵۰	۹.۹۸۴	۰.۰۰۰۱	۷۶۳

نام متغیر	میانگین	ماکزیمم	مینیمم	چولگی	کشیدگی	انحراف معیار	تست جاک برا	تعداد مشاهدات
RET	۲۸.۲۲۵۰	۸۲۰.۱۶	-۷۹.۵۱۶	۴.۱۸۱	۳۲.۰۳	۷۵.۸۴۹	۰.۰۰۰۱	۷۶۳
Earn	۰.۱۵۱	۰.۹۶۰	-۲.۶۹۵	-۴.۹۷	۴۷.۴۸	۰.۲۳۱	۰.۰۰۰۱	۷۶۳

* این آمار فقط برای متغیرهای پیوسته (غیر صفر و یک) بیان شده است.

برای بررسی پایایی متغیرها، از آزمون‌های لوین لین چو، ایم پسران شین و فیشر کای اسکوار استفاده شده است. با توجه به سطح معناداری هر یک از این آزمون‌ها، در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت متغیرهای مستقل و کنترلی طی دوره پژوهش پایا بوده‌اند. زیرا، حداقل دو آزمون از سه آزمون انجام شده مانایی متغیر مورد نظر را تأیید کرده که نتایج آن در نگاره شماره ۲ ارائه شده است.

نگاره ۲: نتایج آزمون مانایی

نام متغیر	لوین لین چو	ایم پسران شین	فیشر کای اسکوار	نتیجه آزمون‌ها
Aq	۰.۰۰۰۱	۰.۰۰۰۱	۰.۰۰۰۱	مانا
Size	۰.۰۰۰۱	۰.۸۵۱	۰.۰۰۰۱	مانا
ROA	۰.۰۰۰۱	۰.۰۰۰۱	۰.۰۰۰۱	مانا
Lev	۰.۰۰۰۱	۰.۰۰۰۱	۰.۰۰۰۱	مانا
Growth	۰.۰۰۰۱	۰.۰۰۰۱	۰.۰۰۰۱	مانا
Dps	۰.۰۰۰۱	۰.۰۰۰۱	۰.۰۰۰۱	مانا
RET	۰.۰۰۰۱	۰.۰۰۰۱	۰.۰۰۰۱	مانا
MTB	۰.۹۸	۰.۰۰۰۱	۰.۰۰۰۱	مانا
Earn	۰.۰۰۰۱	۰.۷۸	۰.۰۰۰۱	مانا

همچنین ضریب همبستگی برای متغیرهای مستقل و کنترلی محاسبه و در نگاره شماره ۳ نگاشته شده است. جهت بررسی همبستگی بین متغیرهای پارامتریک از آزمون پیرسون و برای متغیرهای ناپارامتریک مانند audit، osh و neg از آزمون اسپیرمن استفاده شده است. با توجه به کم بودن میزان همبستگی متغیرهای مستقل و کنترلی، مشکل هم خطی در تخمین ضرایب رگرسیونی وجود نخواهد داشت.

نگاره ۳: ضرایب همبستگی

neg	earn	ret	mtb	dps	audit	growth	Lev	roa	size	osh	نام متغیر
-۰.۰۲۹	۰.۱۱۶	-۰.۰۱۸	-۰.۰۸۷	۰.۲۳۹	۰.۳۰	-۰.۰۰۶	۰.۰۶۷	۰.۱۳۲	۰.۳۷	۱	osh
-۰.۱۳۸	۰.۱۸۳	۰.۱۵۸	-۰.۰۲۴	۰.۳۷۲	۰.۲۰۵	-۰.۰۲۴	-۰.۲۲۱	۰.۴۵۲	۱		size
-۰.۲۷۵	۰.۴۴۸	۰.۲۴۱	-۰.۰۲۲	۰.۵۵۴	-۰.۰۰۹	-۰.۰۲۳	-۰.۵۴۵	۱			Roa
۰.۱۰۸	-۰.۲۷۵	-۰.۱۵۹	-۰.۰۴	-۰.۱۷۲	۰.۰۸۷	-۰.۰۵۲	۱				Lev
۰.۰۰۷	۰.۰۶۹	-۰.۰۲۱	-۰.۰۲۶	-۰.۰۳۳	۰.۰۱۷	۱					growth
-۰.۰۰۶	۰.۱۹۴	-۰.۰۰۶	-۰.۰۱۳	۰.۰۹۴	۱						audit
-۰.۱۱	۰.۱۴۹	۰.۰۴۲	-۰.۰۳۸	۱							Dps
-۰.۵۵۱	-۰.۰۰۷	-۰.۰۱۳	۱								Mtb
-۰.۸۴۱	۰.۰۷۲	۱									Ret
-۰.۰۹۵	۱										earn
۱											neg

۱-۶. آزمون فرضیات تحقیق براساس هر یک از شاخص‌های کیفیت سود

فرضیه اول: نوع مالکیت با کیفیت ارقام تعهدی رابطه‌ی معنادار دارد^۱.

کیفیت ارقام تعهدی در مدل ۲ از طریق محاسبه‌ی انحراف معیار متحرک سه ساله‌ی جملات خطای مدل ۱ حاصل شده است. بر اساس آزمون هاسمن، این مدل از نوع داده‌های تابلویی با وجود اثرات ثابت می‌باشد. جهت رفع مشکل نا همسانی واریانس‌ها از روش حداقل مربعات تعمیم یافته تخمینی (EGLS) و به منظور رفع مشکل خود همبستگی از مدل خود همبستگی مرتبه ۲ (AR2) استفاده شده که نتایج آن در نگاره ۶ ارائه شده است. در سطح کلی داده‌ها، سطح معناداری مقدار ۰.۰۰۱ را نشان می‌دهد که کمتر از ۰.۰۵ است. در نتیجه، مدل رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است. بر اساس نتایج حاصل از آزمون این فرضیه، سطح معناداری ضریب متغیر مستقل نوع مالکیت ۰.۰۰۱ بوده که کمتر از ۰.۰۰۵ و معنادار می‌باشد. مقدار مثبت آن (۰.۰۲۵) نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای سهام‌داران عمده دولتی با کیفیت پایین ارقام تعهدی مرتبط هستند. این به معنای تایید فرضیه‌ی اول می‌باشد.

۱. لازم به ذکر است که نتایج جزئی تر تجزیه و تحلیل‌های آماری در دسترس می‌باشد. اما، با توجه به محدودیت در تعداد صفحات مقاله و کثرت فرضیات پژوهش، نتایج به طور مختصر و مفید ارائه شده است. در صورت نیاز مخاطبان به این اطلاعات، در اسرع وقت ارسال می‌گردد.

گیولی و همکاران (۲۰۱۰) نیز اظهار داشتند که شرکت‌های با کیفیت اقلام تعهدی پایین‌تری دارند.

فرضیه دوم: نوع مالکیت با پایداری سود رابطه‌ی معنادار دارد.

از مدل ۳ جهت بررسی این فرضیه استفاده و نتایج رگرسیون در نگاره ۶ نگاشته شده است. طبق نتایج بدست آمده، سطح معناداری آزمون کمتر از ۰.۰۵ بوده و الگوی رگرسیون با اطمینان ۹۵٪ معنادار می‌باشد. بر اساس تحلیل انجام شده، ضریب متغیر مستقل نوع مالکیت، مثبت (۰.۱۲۱) و معنادار ($0.05 > 0.03$) است. بنابراین، می‌توان استدلال نمود مالکیت دولتی با پایداری بالای سود در ارتباط است. در این راستا، فرضیه دوم تأیید می‌شود. دیچاو و دیچو (۲۰۰۲) و دستگیر و رستگار (۱۳۹۰) رابطه مستقیم بین کیفیت اقلام تعهدی و پایداری سود مشاهده کردند. لذا، انتظار می‌رفت در شرکت‌های دولتی که کیفیت اقلام تعهدی پایین بود، پایداری سود نیز در سطح پایین‌تری باشد اما، یافته‌های تحقیق حاضر این انتظار را برآورده نکرده و دلیل آن را می‌توان در کمک‌های بسیار دولت به شرکت‌های وابسته‌ی خود که سهام‌داران دولتی دارای سهامی بیش از ۵۰٪ کل سهام شرکت هستند، یافت و لذا، سیاست حمایتی از شرکت‌های دولتی را در پیش گرفته است. شاید این حمایت‌ها با هدف بقای شرکت‌های دولتی در فرآیند خصوصی سازی صورت گرفته تا موجبات ثبات شرکت‌های دولتی را فراهم آورد. زیرا ثبات نسبی به سودآوری پایدار شرکت‌ها کمک می‌کند.

فرضیه سوم: نوع مالکیت با قابلیت پیش بینی سود رابطه‌ی معنادار دارد.

قابلیت پیش بینی سود، از طریق آزمون تفاوت میانگین انحراف معیار متحرک سه ساله جملات خطای مدل ۴ برای هر گروه از شرکت‌های دولتی و غیردولتی بررسی گردیده است. انحراف معیار بزرگتر، مبین پایین بودن قابلیت پیش‌بینی سود می‌باشد. آزمون مورد استفاده برای مقایسه میانگین‌ها در این فرضیه، آزمون t گروه‌های مستقل بوده است. از پیش شرط‌های اصلی این نوع آزمون، بررسی همسانی واریانس‌ها می‌باشد. که از آزمون لونز استفاده شده است. با توجه به نگاره ۴، احتمال آماره آزمون لونز مقدار ۰.۸۸۴ را نشان می‌دهد که بیشتر از ۰.۰۵ است. لذا، فرضیه همسانی واریانس‌ها تأیید می‌شود. از آنجا که احتمال آماره آزمون t مقدار ۰.۰۸۵ و بیش از ۰.۰۵ است، فرضیه برابری میانگین‌ها رد شده و میانگین‌های محاسبه شده از

لحاظ آماری تفاوت معنادار دارند. همچنین، میانگین انحراف معیار محاسبه شده برای شرکت‌های دولتی (۵۰۰.۷۱) نسبت به شرکت‌های غیردولتی (۴۱۴.۹۵) بیشتر است. بر این اساس، با اطمینان ۹۰٪ می‌توان گفت قابلیت پیش بینی سود در شرکت‌های با سهام‌داران عمده دولتی کمتر از شرکت‌های غیردولتی است. از این رو، فرضیه سوم تأیید می‌شود.

نگاره ۴: نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم

متغیر وابسته: قابلیت پیش بینی سود		نوع آزمون: Independent-Sample T-Test
میانگین	Sig (احتمال آماره)	
-----	۰.۸۸۴	آزمون لون (برابری واریانس‌ها)
-----	۰.۰۸۵	آزمون t (برابری میانگین‌ها)
۵۰۰.۷۱	-----	شرکت‌های دولتی
۴۱۴.۹۵	-----	شرکت‌های غیر دولتی

یافته‌های این فرضیه با نتایج چن و همکاران (۲۰۰۶) و سجاتی (۲۰۰۹) سازگار است که دریافتند شرکت‌های دارای روابط سیاسی با سطح پایین قابلیت پیش بینی سود همراه هستند.

فرضیه چهارم: نوع مالکیت با هموارسازی سود رابطه‌ی معنادار دارد.

به منظور بررسی رابطه بین نوع مالکیت و هموارسازی سود فرضیه‌ی چهارم مطرح و از مدل ۶ برای آزمون این فرضیه استفاده شده است. با توجه به نتایج آزمون هاسمن، مدل ۶ از نوع مدل داده‌های تابلویی با وجود اثرات تصادفی است. جهت رفع مشکل ناهمسانی واریانس‌ها و خود همبستگی، روش حداقل مربعات تعمیم یافته تخمینی و مدل خود همبستگی مرتبه اول (AR1) به کار گرفته شده است. نگاره ۶ نتایج رگرسیون فوق را نشان می‌دهد. طبق نتایج بدست آمده، سطح معناداری آزمون کمتر از ۰.۰۵ بوده و الگوی رگرسیون در سطح کلی داده‌ها با اطمینان ۹۵٪ معنادار می‌باشد. از آنجا که احتمال بدست آمده برای متغیر نوع مالکیت ۰.۷۴ و بزرگتر از ۰.۰۵ می‌باشد؛ لذا، ضریب متغیر مستقل نوع مالکیت (-۰.۰۹۱) در الگوی رگرسیونی معنادار نیست. از این رو، شواهدی مبنی بر وجود رابطه معنادار بین هموار

سازی سود و نوع مالکیت یافت نشده و دولتی یا غیر دولتی بودن شرکت‌ها، تأثیری بر کیفیت سود گزارش شده‌ی آن‌ها ندارد. به عبارت دیگر، یافته‌ها نشان می‌دهند که میزان هموارسازی سود در شرکت‌های با سهام‌داران دولتی و غیردولتی متفاوت نمی‌باشد. این یافته‌ها، مطابق با نتایج مطالعه‌ی سجاتی (۲۰۰۹) است که نشان داد روابط سیاسی با هموارسازی سود ارتباطی ندارد.

فرضیه پنجم: نوع مالکیت با مربوط بودن سود رابطه‌ی معنادار دارد.

رابطه بین مربوط بودن و نوع مالکیت از طریق تجزیه و تحلیل مدل ۷ بررسی می‌شود. مربوط بودن از طریق قدرت توضیح دهنده سود بر روی بازده برای هر گروه از شرکت‌های دولتی و غیر دولتی اندازه‌گیری شده است. نگاره ۵ نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیون خود همبستگی مرتبه‌ی اول (AR1) را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج، سطح معناداری آزمون از ۰.۰۵ کمتر بوده ($0.001 < 0.005$) و در نتیجه، الگوی رگرسیون با اطمینان ۹۵٪ معنادار است. چون قدرت توضیح دهنده‌ی (\bar{R}^2) برای شرکت‌های دولتی بیشتر است لذا، مربوط بودن سود گزارش شده در شرکت‌های با سهام‌داران عمده دولتی بیشتر خواهد بود. بنابراین می‌توان گفت فرضیه‌ی پنجم پذیرفته می‌شود. اولسون (۱۹۹۵) و کولینز و همکاران (۱۹۹۷) اظهار می‌دارند که مربوط بودن سود از پایداری سود تأثیر می‌پذیرد. یعنی پایداری بالای (پایین) سود می‌تواند منجر به وزن بیشتر (کمتر) سود در ارتباط بین سود و بازده سهام باشد. بالا بودن سطح پایداری سود در شرکت‌های دولتی نسبت به شرکت‌های غیر دولتی، می‌تواند دلیلی برای بالا بودن میزان مربوط بودن سود در شرکت‌های دولتی باشد.

نگاره ۵: نگاره مقایسه قدرت توضیح دهنده سود

شرکت‌های غیر دولتی	شرکت‌های دولتی	
٪۱۸.۴	٪۵۲.۴	\bar{R}^2
۰.۰۰۱	۰.۰۰۱	p-value

فرضیه‌ی ششم: بین نوع مالکیت و محافظه‌کاری سود رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه، مدل شماره ۹ به کار رفته است. براساس نتایج آزمون‌ها سمن این مدل از نوع داده‌های تابلویی با وجود اثرات ثابت می‌باشد. طبق نگاره شماره ۶، سطح معناداری آزمون مقدار ۰.۰۰۱ و از ۰.۰۵ کمتر است. در نتیجه الگوی رگرسیون با اطمینان ۹۵٪ معنادار می‌باشد.

یافته‌های بدست آمده از آزمون‌ها و تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد که ضریب متغیر مستقل نوع مالکیت OSH*NEG*RET معنادار (۰.۰۱۳) و مثبت (۰.۰۰۲) بوده و سود شرکت‌هایی که دارای سهام‌داران عمده دولتی هستند نسبت به شرکت‌های با سهام‌داران عمده غیر دولتی حساسیت بیشتری به خبرهای بد دارد. لذا، سود گزارش شده توسط شرکت‌های دولتی نسبت به شرکت‌های غیر دولتی محافظه‌کاری بیشتری دارد. بنابراین فرضیه‌ی ششم پذیرفته می‌شود.

نگاره ۶: نتایج رگرسیون آزمون فرضیه‌های ۱-۲-۳-۴-۶

شماره فرضیه	شماره مدل	احتمال آماره	قدرت توضیح دهندگی	معناداری ضریب نوع مالکیت	نتیجه گیری در شرکت‌های دولتی
۱	۲	۰.۰۰۱	٪۸۹.۱	۰.۰۲۵	کیفیت پایین اقلام تعهدی
۲	۳	۰.۰۰۳	٪۵۶.۸	۰.۱۲	پایداری بالای سود
۴	۶	۰.۷۴	٪۲۶.۵	-۰.۰۰۹	عدم وجود رابطه بین هموارسازی و نوع مالکیت
۶	۹	۰.۰۱	٪۶۴.۳۳	۰.۰۲	محافظه‌کاری بالای سود

یافته‌های حاصل از آزمون و تجزیه و تحلیل‌های انجام شده بر اساس هر یک از معیارهای کیفیت سود در شرکت‌های دولتی و چگونگی ارتباط بین آنها به طور خلاصه در نگاره ۷ نگاشته شده است:

نگاره ۷: خلاصه یافته‌ها

نتیجه آزمون فرضیه‌ها	اثرپذیری از مالکیت شرکت‌های دولتی	معیار کیفیت سود
تأیید فرضیه ۱	منفی	کیفیت اقلام تعهدی
تأیید فرضیه ۲	مثبت	پایداری سود
تأیید فرضیه ۳	منفی	قابلیت پیش بینی سود
رد فرضیه ۴	-----	هموارسازی سود
تأیید فرضیه ۵	مثبت	مربوط بودن سود
تأیید فرضیه ۶	مثبت	محافظه کاری سود

۷. نتیجه گیری و پیشنهادها

هدف این تحقیق از به کار گیری سنجه‌های مختلف کیفیت سود، توجه به ابعاد مختلف کیفیت سود و عدم سوگیری در نتایج تحقیق بوده است. بنابراین، بررسی این ابعاد با توجه به نوع مالکیت شرکت‌ها، می‌تواند دانش بیشتر و دقیق تری را فراهم آورد. معیار کیفیت سود در این تحقیق، حاصل تجمیع شش بعد شامل کیفیت اقلام تعهدی، پایداری سود، قابلیت پیش بینی سود، هموارسازی سود، مربوط بودن سود و محافظه کاری سود می‌باشد. یافته‌های این پژوهش، حاکی از آن است که کیفیت اقلام تعهدی و قابلیت پیش بینی سود برای شرکت‌های دولتی از سطح پایینی برخوردار است. اما پایداری سود، مربوط بودن و محافظه کاری سود با نوع مالکیت دولتی رابطه مثبت دارند. بر اساس نتایج تحقیق حاضر، شواهدی مبنی بر وجود رابطه بین نوع مالکیت و هموارسازی سود یافت نشد. به طور کلی، در پژوهش حاضر با توجه به معیارهای ارزیابی به کار گرفته شده برای کیفیت سود، می‌توان به پرسش اصلی تحقیق در راستای وجود تفاوت معنادار بین کیفیت سود شرکت‌های دولتی و غیر دولتی چنین پاسخ داد که سود گزارش شده توسط شرکت‌های غیر دولتی نسبت به شرکت‌های دولتی از سطح بالاتر و مطلوبیت بیشتری برخوردار است.

نتایج این پژوهش هم راستا با نتایج تحقیقات گیولی و همکاران (۲۰۱۰) و بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) می‌باشد که به ترتیب دریافته‌اند شرکت‌های خصوصی نسبت به شرکت‌های دولتی کیفیت اقلام تعهدی بالاتری دارند و اگر مدیران شرکت‌ها اعتقاد داشته باشند که

سیاست مداران به منظور مصادره ثروت سهام‌داران (مالکان) به دنبال شواهدی از سودآوری بالای شرکت هستند، در این صورت مدیران شرکت‌های دولتی انگیزه بیشتری برای ارائه گزارش محافظه کارانه تر خواهند داشت.

این یافته‌ها می‌توانند حاوی پیامدهای مختلفی باشند: اول اینکه ناظران، به منظور فراهم آوردن اطلاعات با کیفیت برای استفاده کنندگان صورت‌های مالی، باید از طریق ابزارهای تشویق یا اجبار، شرکت‌ها را برای آشکار کردن روابط ویژه با دولت، احزاب سیاسی یا سیاستمداران مجاب کنند. از نظر استفاده کنندگان، اطلاعات مربوط به ارتباطات سیاسی و روابط دولتی جهت ارزیابی کیفیت سودهای گزارش شده‌ی شرکت‌ها مفید خواهد بود (سجاتی ۲۰۰۹).

دوم اینکه با توجه به اظهارات ژاومینگ و همکاران (۲۰۱۱) غفلت دولت و بازار سرمایه‌ی نظارتی در تنظیم و نظارت روابط سیاسی و دولتی و اتخاذ مجازات‌های ضعیف برای رفتارهای غیر قانونی افشا، موجبات کیفیت سود پایین را برای شرکت‌های دولتی فراهم می‌کند. همچنین وجود این روابط سیاسی به جهت ایجاد فرصت مدیریت سود باعث کاهش کیفیت سود این شرکت‌ها می‌شود. لذا، لازم است نظارت بر این نوع شرکت‌ها افزایش یافته و تدابیر قانونی قوی و سازوکارهای مناسب برای جلوگیری از سوءاستفاده مدیران آنها اتخاذ شود. گرچه کیفیت سود در بازه‌ی مورد بررسی و نمونه شرکت‌های بورسی غیردولتی در سطح بسیار بالایی قرار ندارد، اما، می‌توان انتظار داشت و امیدوار بود که با تشویق به حضور گسترده سهام‌داران در بورس، گسترش فرهنگ سهام‌داری و افزایش اعتماد عمومی به بازار سرمایه روند صعودی داشته و بهبود یابد.

پیامد سوم را می‌توان با اشاره به نتایج تحقیق لنگ و لی^{۳۵} (۲۰۱۱) بیان کرد که دریافتند بین کیفیت سود و کنترل‌ها رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت شرکت‌ها برای بهبود و افزایش سطح کیفیت سودهای گزارش شده‌ی خود لازم است که کنترل‌های داخلی شرکت را نیز افزایش دهند. از این رو باید نظارت و مدیریت مدیران شرکت‌های دولتی (همچنین خصوصی) از طریق افزایش کنترل‌های داخلی و به منظور کیفیت بالای افشای اطلاعات مالی، کاهش دستکاری سود و بهبود کیفیت سود تقویت شود. این امر موجب کاهش تقلب‌های مالی نیز خواهد شد.

۸. پیشنهادهایی برای تحقیقات آینده

پژوهش حاضر بر رابطه بین نوع مالکیت (دولتی و غیردولتی) و کیفیت سود گزارش شده شرکت‌ها تمرکز دارد. اما، این پژوهش نقطه پایان تحقیقات نبوده و لازم است مطالعات عمیق‌تر و بیشتری در خصوص جنبه‌های زیر انجام گیرد:

۱. تأثیر خصوصی سازی نیز بر روی کیفیت سود مورد بررسی قرار گیرد تا قابلیت مقایسه‌ی کیفیت سود گزارش شده توسط شرکت‌ها برای دوره‌های قبل و بعد از خصوصی سازی فراهم آید.

۲. با توجه به متفاوت بودن سطح توسعه یافتگی در کشورهای مختلف جهان پیشنهاد می‌شود کیفیت سود با در نظر گرفتن توسعه یافته، در حال توسعه و کمتر توسعه یافته بودن کشورها مورد بررسی قرار گرفته و با ایران قیاس شوند.

۳. در ادامه مسائل مختلفی برای تحقیقات آینده باقی مانده است. برای مثال می‌توان به موضوعات تأثیر نوع صنعت در روابط بین نوع مالکیت و کیفیت سود، تأثیر عوامل اقتصادی مانند نرخ تورم بر کیفیت سود شرکت‌های دولتی و غیر دولتی، بررسی کیفیت سود هر گروه از شرکت‌ها در دوران رونق و رکود اشاره کرد.

یادداشت‌ها

- | | |
|-----------------------------|----------------------------|
| 1. Sejati | 2. Rajan & Zingales |
| 3. Zhaoming | 4. Chen |
| 5. Ohlson | 6. Collins |
| 7. Katz | 8. Givoly |
| 9. Madhumathi & Ranganatham | 10. Wiesehöfer |
| 11. Kim | 12. Peterson |
| 13. Cheng | 14. Accounting Consistency |
| 15. Etheridge & Hsu | 16. Dechow & Dichev |
| 17. Fisman | 18. Imhoff & Lobo |
| 19. Beidleman | 20. Watts & Zimmerman |
| 21. Bushman | 22. Gerschenkron |
| 23. Bushma & Piotroski | 24. North |
| 25. McNichols | 26. Wang |
| 27. Cheng & Warfield | 28. Lipe |

- | | |
|-----------------------|-----------------|
| 29. Leuz | 30. Francis |
| 31. Ashari | 32. Ali & Hwang |
| 33. Ball & Shivakumar | 34. Basu |
| 35. Leng & Li | |

منابع

الف. فارسی

- اسلامی بیدگلی، غلامرضا. (۱۳۷۷). نقش شرکت‌های دولتی در اقتصاد ایران و بررسی عملکرد آنها. *حسابدار*: ۱۳(۱۲۷): ۱۶-۲۵.
- اعتمادی، حسین؛ محمدی، امیر؛ ناظمی اردکانی، مهدی. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین تخصص صنعت حسابرِس و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱(۲و۱): ۱۷-۳۲.
- ایرانمنش، ابراهیم. (۱۳۸۵). پارادوکس خصوصی سازی شرکت‌های دولتی. *نشریه چشم‌انداز ایران*: ۴۰، ۳۷-۴۰.
- باباجانی، جعفر. (۱۳۷۹). نقش مسئولیت پاسخگویی در چارچوب نظری حسابداری دولتی. *حسابرس*، ۲(۷).
- بابایی زکلیکی، محمدعلی؛ احمدوند، ژیل. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *تحقیقات مالی*، ۱۰(۲۶): ۴۱-۶۰.
- بنی مهد، بهمن؛ باغبانی، تهمینه. (۱۳۸۸). اثر محافظه کاری حسابداری، مالکیت دولتی، اندازه شرکت و نسبت اهرمی بر زیان دهی شرکت‌ها. *بررسی‌های حسابداری و حسابرِس*، ۱۶(۵۸): ۵۳-۷۰.
- بنی مهد، بهمن؛ محسنی شریف، محسن. (۱۳۸۹). بررسی عوامل موثر بر رتبه بندی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران از لحاظ کیفیت افشاء و به موقع بودن. *حسابداری مدیریت*، ۳(۷): ۵۱-۶۳.
- پناهی، منیژه؛ حسینی، محمود؛ حمیدی زاده، محمدرضا. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر مالکیت بر اتخاذ راهبرد تنوع بخشی بنگاه، مطالعه شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران. *چشم‌انداز مدیریت بازرگانی*، ۱۵: ۱۳-۳۴.

دستگیر، محسن؛ رستگار، مجید. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین کیفیت سود (پایداری سود)، اندازه ارقام تعهدی و بازده سهام با کیفیت ارقام تعهدی. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۳(۱): ۱-۲۰.

طالب نیا، قدرت الله؛ محمدزاده سالطه، حیدر. (۱۳۸۴). تأثیر خصوصی سازی شرکت‌های دولتی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بر بازده سهام آنها. تحقیقات مالی، ۱۹: ۹۷-۱۱۵.

عبده تبریزی، حسین؛ مسگریان حقیقی، داوود؛ بزرگ اصل، موسی؛ بستانیان، جواد؛ صفار، محمد جواد. (۱۳۸۵). میزگرد نارسایی‌های گزارشگری مالی در ایران و راه کارها. حسابرس، ۳۳: ۳۰-۴۱.

مجتهدزاده، ویدا؛ احمدی، فاطمه. (۱۳۸۸). کیفیت سود، اطلاعات حسابداری و مخارج سرمایه-ای. پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، ۱(۱): ۱۴۷-۱۷۰.

محمدی، شاپور؛ قالیباف اصل، حسن و مشکى، مهدى. (۱۳۸۸). بررسی اثر ساختار مالکیت بر بازدهی و ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات مالی. ۱۱(۲۸): ۶۹-۸۸.

مرادی، محمدعلی؛ فرخی استاد، مصطفی؛ نظامی، احمد؛ فرخی استاد، مجتبی. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر مالکیت عمومی و خصوصی بر کیفیت سود. مجموعه مقالات نهمین همایش سراسری حسابداری ایران: ۱۸۱-۱۹۳.

مشایخی، بیتا؛ محمدآبادی، مهدی. (۱۳۹۰). رابطه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با کیفیت سود. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۳(۲): ۱۷-۳۲.

مهرانی، ساسان؛ کرمی، غلامرضا؛ مرادی، محمد؛ اسکندری، هدی. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین سرمایه گذاران نهادی و کیفیت گزارشگری مالی. پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، ۲(۱): ۲۲۷-۲۴۹.

نکونام، جعفر؛ نکونام، محمد. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و محافظه کاری حسابداری. مجموعه مقالات دهمین همایش ملی حسابداری ایران، ۲، ۶۹-۸۴.

نوروش، ایرج؛ مشایخی، بیتا؛ برقی، زهرا. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر ارقام تعهدی بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه حسابداری مالی، ۳،

ب. انگلیسی

- Ali, A., & Hwang, L.S. (2000). Country-specific factors Related to financial reporting and the value relevance of accounting data. *Journal of Accounting Research*, 38(1), 1-21.
- Ashari, N., Koh, H. C. Tan, S. L. & Wong, W. H. (1994). Factors affecting income smoothing among listed companies in Singapore. *Accounting and Business Research*, 24(96), 291-301.
- Ball, R., & Shivakumar, L. (2005). Earnings quality in UK private firms: Comparative loss recognition timeliness. *Journal of Accounting and Economics*, 39(1), 83-128.
- Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. *Journal of Accounting & Economics*, 24 (1), 3-37.
- Beidleman, C. R. (1973). Income smoothing: The role of management. *The Accounting Review*, 48(4), 653-667.
- Bushman, R. M., & Piotroski, J. D. (2006). Financial reporting incentives for conservative accounting: The influence of legal and political institutions. *Journal of Accounting & Economics*, 42 (1/2), 107-148.
- Bushman, R. M., Piotroski, J. D. & Smith, A. J. (2004). What determines corporate transparency? *Journal of Accounting Research*, 42(2), 207-252.
- Chen, C. J., Ding, Y. & Kim, C. F. (2006). Political Connection, Legal Enforcement and Analysts, Forecast Characteristics. Working paper, City University of Hong Kong.
- Cheng, P., Man, P., & Yi, C. H. (2013). The impact of product market competition on earnings quality. *Accounting & Finance*, 53(1), 137-162.
- Cheng, Q., & Warfield, T. D. (2005). Equity incentives and earnings management. *The Accounting Review*, 80(2), 441-476.
- Collins, D. W., Maydew, E. L. & Weiss, I. S. (1997). Changes in the value-relevance of earnings and book values over the past forty years. *Journal of Accounting and Economics*, 24(1), 39-67.
- Dechow, P. M., & Dichev, I. D. (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The Accounting Review*,

77, 35-59.

- Fisman, R. (2001). Estimating the value of political connections. *The American Economic Review*, 91(4), 1095-1102.
- Francis, J., LaFond, R., Olsson, P. M. & Schipper, K. (2004). Costs of equity and earnings attributes. *The Accounting Review*, 79(4), 967-1010.
- Gerschenkron, A. (1962). *Economic Backwardness in Historical Perspective*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Givoly, D., Hayn, C. & Katz, S. P. (2010). Does public ownership of equity improve earnings quality? *The Accounting Review*, 85(1), 195-225.
- Imhoff, Jr, E. A., & Lobo, G. J. (1992). The effect of ex ante earnings uncertainty on earnings response coefficients. *Accounting Review*, 427-439.
- Katz, S. P. (2009). Earnings quality and ownership structure: The role of private equity sponsors. *The Accounting Review*, 84(3), 623-658.
- Kim, Y., Park, M. S., & Wier, B. (2012). Is earnings quality associated with corporate social responsibility? *The Accounting Review*, 87(3), 761-796.
- Leng, J., & Li, L. (2011). Analysis of the relationship between listed companies' earnings quality and internal control information disclosure. *Modern Economy*, 2(5), 893-900.
- Leuz, C., Nanda, D. & Wysocki, P. D. (2003). Earnings management and investor protection: An international comparison. *Journal of Financial Economics*, 69(3), 505-527.
- Lipe, R. (1990). The relation between stock returns and accounting earnings. *The Accounting Review*, 65 (1), 49-71.
- Madhumathi, R., & Ranganatham, M. (2011). Earnings Quality, Corporate Governance and Firm Performance. *Corporate Governance and Firm Performance*. Available from:
http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1867869.
- McNichols, M. F. (2002). Discussion of the quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The Accounting Review*, 77(s-1), 61-69.
- Moradi, M., & Sofian, S. (2011). Effects of Earnings quality structures derived from time-series attributes of earnings on cost of equity. *International Research Journal of Finance and Economics*, 78, 34-40.
- North, D. C. (1990). *Institutions, Institutional Change and Economic*

- Performance*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Ohlson, J. A. (1995). Earnings, book values, and dividends in equity valuation. *Contemporary Accounting Research*, 11 (2), 661-687.
- Ohlson, J. A. (1999). On transitory earnings. *Review of Accounting Studies*, 4 (3-4), 145-162.
- Peterson, K., R. Schmardebeck, & T. J. Wilks. (2013). Accounting Consistency and Earnings Quality. Working Paper.
- Rajan, R. G., & Zingales, L. (1998). Which Capitalism? Lessons from the East Asian crisis. *Journal of Applied Corporate Finance*, 11 (3), 40-48.
- Sejati, Y. A. (2009). Political connections and earnings quality: Evidence from Malaysia. PhD Dissertation. Oklahoma State University.
- Wang, D. (2006). Founding family ownership and earnings quality. *Journal of Accounting Research*, 44(3), 619-656.
- Watts, R. L., & Zimmerman, J. L. (1990). Positive Accounting Theory: A Ten Year Perspective. *The Accounting Review*. 65 (1), 131-156.
- Wiesehöfer, L. (2011). Earnings Quality in Private Firms Applying IFRS. Masters Thesis. Maastricht University.
- Zhaoming, Z., Xinyi, L. & China, P. R. (2011). Earnings conservatism Perspective: Political Connections and Earnings Quality. Available from: <http://www.seiofbluemountain.com>

